

جای خالی بحث از قرآن و سنت در کتاب‌های فقه و اصول

حجت الاسلام محمدعلی مهدوی راد ضمن اشاره به اینکه ما در تبیین جایگاه سنت در تفسیر قرآن تسامح داشتیم

تصریح کرد:



حجت الاسلام محمدعلی مهدوی راد ضمن اشاره به اینکه ما در تبیین جایگاه سنت در تفسیر قرآن تسامح داشتیم تصریح کرد: با اینکه همه علما گفتند مبانی فهم دین؛ قرآن، سنت، عقل و اجماع است ولی نه از قرآن بحث جدی کردند و نه از سنت.

به گزارش ایکن، نشست بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام رضا(ع) روز گذشته ۲۱ خردادماه با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در دانشگاه علوم اسلامی رضوی برگزار شد که گزیده سخنان وی را در ادامه می خوانید؛

متاسفانه ما در تبیین جایگاه سنت در تفسیر قرآن تسامح داشتیم و به این مسئله توجه جدی نکردیم. حتی در مورد خود واژه سنت و تعریف سنت تسامح شده است و تعریف دقیقی از سنت وجود ندارد. چیز عجیبی که در فرهنگ ما هست این است که اصلا به تعریف توجه نمی شود. سنت را تعریف نکرده اند

یکی از فضایل اهل سنت کتاب نوشته و سعی کرده نوع نگاه مذاهب اهل سنت را به سنت در گذرگاه تاریخ نشان دهد که در حد مذاهب اسلامی کار بسیار خوبی است. ایشان هم تصریح کرده است که در بسیاری از کتاب های فقهی، سنت را تعریف نکردند. شما کتاب های اصولی خودمان را ببینید بحثی از تعریف سنت ندارند.

با اینکه همه علما گفتند مبانی فهم دین؛ قرآن، سنت، عقل و اجماع است ولی نه از قرآن بحث جدی کردند و نه از سنت. کجا بحث کردند سنت چیست و چه کارکردی دارد؟ کجا بحث کردند وحی چیست، چه تلقی از قرآن داریم و چقدر می شود از قرآن حکم استنباط کرد؟ این موضوعات مورد بحث قرار نگرفته است. متاسفانه سوال های بسیار مهم و قابل طرح برایمان مطرح نشده است و چون مطرح نشده ابعادش باز نشده است. علمای ما در تفکر بی نظیر هستند اما اگر این سوالات را برایشان مطرح می کردند دنیا یک طور دیگر می شد.

بعضی از این مباحث در روایات تفسیری امام رضا(ع) آمده است. امام در ضمن اینکه آیات را تفسیر می کند چگونگی تفسیر را هم به ما یاد می دهد، یعنی سفره ای باز نمی کند که من از آن سیر بخورم و بروم بلکه امام تلاش می کنند آشپزی را به ما یاد بدهند. در ذیل آیه معروف صله رحم «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» یک بنده خدایی از امام سوال کرد؛ مراد از صله رحم چیست. حضرت فرمودند معنایش همراهی، همدلی و همگامی با ماست و قطع رحم یعنی بریدن از ما. شنونده از شنیدن این سخن جا خورد. بعد حضرت فرمودند فلانی، مثل کسانی نباش که می گویند همین است و جز این نیست، یعنی فکرت را باز کن. تطابق برداشت مفسران اهل سنت با تعالیم ائمه

یک نکته جالب این است؛ بسیاری از آنچه ائمه به عنوان راه تفسیر به ما نشان دادند، در بیان برخی مفسران و معلمان اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است، یعنی خودشان این راه را رفتند. چون زبان قرآن، زبان فطرت است لذا همین راه را رفتند. به عنوان مثال، سید قطب با تحلیلی اجتماعی، سیاسی و عالمانه و دقیق بدون اینکه به فرمایش ائمه توجه کند، گفته است مراد عمیق از این آیه اتصال با مرکزیت حرکت در جامعه است یعنی آحاد جامعه با آن کانون مرکزی پیوند بخورند و از آن جدا نشوند. یکی از مفسران اهل سنت به صراحت نوشته است که این آیه در مورد اهل بیت(ع) است. شما می توانید این تعلیم اهل بیت(ع) را به عنوان قاعده توسعه دایره معنایی درآورد یعنی ائمه ضمن اینکه آیات را تفسیر می کردند، به شما توسعه معنایی یاد می دهند. این غیر از استعمال لفظ بیش از یک معنا است و آن بحث دیگری است.

همین آیه معروف «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» را نگاه کنید. یک محقق در اردن بود که فوت کرد. ایشان خیلی دغدغه دفاع از قرآن داشت، شاگردی در تربیت مدرس داشتیم که در مقطع کارشناسی شاگرد ایشان بود. به واسطه او چند کتاب برای ایشان فرستادم. شاگردم می گفت وقتی این کتاب ها را جلوی چشم گذاشتم، گفت این کتاب ها در ایران چاپ شده است؟ مگر ایرانی ها عربی بلدند؟ ایشان دقیقا به همین آیه گیر داده است که چرا امام باقر(ع) فرموده است منظور از طعام، علم است. این در حالی است که در برخی از منابع اهل سنت هم به این مطلب اشاره شده است.

یک بحث مهمی که باید در پیوند سنت با تفسیر مطرح شود، اجتهاد در تفسیر روایی امامیه است. شاید تصور شود این پارادوکس است چون از طرفی می‌گویید تفسیر ماثور یعنی در آن اجتهاد راه ندارد و از طرفی از اجتهاد صحبت می‌کنید. حمیدرضا فهیمی تبار در کتابی با همین عنوان این بحث را پیگیری کرده و در ده جزء قرآن، زمینه‌های اجتهاد را در تفسیر علی بن ابراهیم، عیاشی، برهان و نورالثقلین بررسی کرده است.

من تصور می‌کردم تفسیر نورالثقلین سه چهار جا اظهارنظر دارد ولی در همین ده جزء ده‌ها مورد اظهارنظر دارد. بعضا اجتهادهای خیلی عجیبی دارند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که در این تفسیرها دو نوع روایات ذیل آیات می‌آید؛ یک سلسله از روایات هستند که در آنها قطعه‌ای از آیه آمده است ولی در بخش مهمی از روایات، اصلا کلمه‌ای از آیه نیامده ولی وقتی روایت را نگاه می‌کنید دقیقا یک ارتباط معنوی بین آیه و روایت وجود دارد که نشان می‌دهد مولف، اجتهاد کرده است.